

غریب، مثل اخبار خوب



کارتون: محمد علی رحیمی

اگر تا الان خبر نایب قهرمانی تیم ملی هاکی بانوان رو نشنیدین حق دارین! ولی اگر خبر ریزش بورس رو شنیدین و در موردش باقیه تحلیل کردین و با چند نفر حرف زدین که سرانجام همون چند روزی که براتون باقی مونده چی می شه، دیگه حق ندارین! شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشه که احساس کنین دیگه به این جاتون رسیده و حالتون خیلی بد شده و دارین همه ش خبرهای بد رو به این واوون می دین و دچار افسردگی مازور شده باشین. با ما همراه باشید تا این مشکل شمارو رفع کنیم.

سلبریتی های غم پزور

خب اگر اومدید که برای مشکل افسردگی تون راه حل پیدا کنین، بهتره به فکر درمان خودتون باشین. ما که دکتر نیستیم. ولی ورزش کنید، روزی هشت لیوان آب بخورید، مسواک بزنید و از صفحات اجتماعی سلبریتی هادوری کنید. حداقل اگر نصف مسیر نباشه، سی درصد راه حلش همینه. به دکتر و تراپیست و مشاور و روان شناس و روان پزشک و این جور افراد هم بگین حتما اینوبه تون می گن، که از خبرهای بد و کلا اخبار ناگوار دوری کن! بعضی ها روول کنی، کلا تا در طول روز اخبار حوادث روزنامه رو نخونن، روزشون شب نمی شه. بعد می گن چرا حال مون بده!

هشتگ واستوری های جان سوز

۹۹ درصد اینایی که استوری می دارن می گن «حال یه ایران بده» یا «خنده تلخ من از گریه غم انگیز تر است» یا مثلاً «حال همه ما خوب است اما تو باور نکن»، احتمالاً پنج دقیقه قبلش داشتن استوری بقیه رو مخصوصاً یک سلبریتی رو چک می کردن! خلاصه که اگر به فکر بقیه نیستید، به فکر خودتون باشید. اصلاً اگر اینقدر پیگیر بقیه هستید و اخبار خوب رو نمی تونید ببینید یا می بینید ورد می شنید و هیچی نمی گید و براتون مهم نیست، پیش دکتر و تراپیست و همون چیزایی که بالاتر گفتم هم نرید. شما درست بشو نیستید!

خبر خوب، به زشت

بین این همه اخبار بد، به جای اینکه هی چک کنید بورس چقدر ریخته یا شرایط جدید ثبت نام ماشین چیه و عصبانی بشید، خب خبرهای خوب رو هم به نگاه بکنید. اونا هم آدمی دل دارن! مثلاً اگر یه هفته بورس خوب باشه، به چشم هیچ کس نمی آد، ولی کافیه یک کم بریزه. همه با هاش می ریزن. یا اصلاً کسی به اخبار قهرمانی ها و موفقیت های زنان و دختران توجهی نمی کنه ولی کافیه یک اختلاس صورت بگیره. تا اون سر دنیا که موجود زنده روی زمین نفس می کشه، همه خبردار می شن و در وایرال کردن و همراهی کرد خبر، از هیچ حمایتی دریغ می کنن. کلا ذات آدمیزاد همینه. یعنی تقصیر شما نیست، از خدا پنهون نیست، از شما چه پنهون، ما خودمونم همینیم. لطفاً اگر تراپیست یا دکتر و مشاور خوبی پیدا کردین، به ما هم معرفی کنین. برامریض می خوایم. اصلاً فکر کنین دارین برا خواهر و مادر خودتون این کارو می کنین!

چند نمونه خبر خوب بخوانید

به نام خدا. پدر مامی گوید ریزش بورس خبر خوبی است چون شوهر خاله مادر آنجا سرمایه گذاری کرده است و پدرمان به حرفش گوش نداده و پولمان را بی خودی جهت صرف هزینه های دیگر کرده. راستش را بخواهید، در حال حاضر نه ما پول داریم و نه خانواده خاله مان، اما خبر ریزش بورس خبر خوشحال کننده ای برای پدر ما بود. آقا، اجازه؟ پدر مامی گوید شاید بده اند بعضی از نماینده های مجلس ماشین گرفته اند و این خبر بدی است. اما ما فکر می کنیم پدرمان اشتباه می کند. آن ها هم جزو مردم هستند. زحمت کشیده اند، کار کرده اند، به فکر معیشت مردم بوده اند، یعنی یک ماشین هم نگیرند؟ اصلاً نوش جان شان. خبر از این بهتر هم داریم؟!



آن چادر گرفته بودند و توت می تکاندند. دیر به خانه رسیدم و آن ۳۰۰ گرم توت به خاطر گرمای هوا آب انداخت. حیف شد، خیلی خوشمزه بود! با شانه هایی افتاده از خستگی و غم آن ۳۰۰ گرم، وارد خانه شدم. سطل را کنار ۵۳ سطل دیگر چیده شده در آشپزخانه گذاشتم و با رُبیای تشکیل یک خانواده توت خور، به خواب رفتم.

توت خانه ی همسایه اش که هست. میان راه خانه چند درخت توت دیگر هم دیدم که از شدت فراوانی میوه هایشان، خم شده بودند و شاخه هایشان به زمین رسیده بود. اما برایم جای تأمل داشت که چرا توت های آن علاوه بر بزرگ بودن به شکلی غیر طبیعی، به رنگ صورتی و آبی بودند و با هم حرف می زدند؟ متأسفانه به علت بسته شدن خیابانی که خانواده ای دور تا دور درخت وسط بولوار